

کتابخانه دیدار

این شماره: چند کتاب از نویسندگان خارجی

جیب عجیب

نوشته ماکس لوتدگرن، ترجمه: طاهر جام برسنگ، نشر افق

کتاب جیب عجیب ماجرای بنیاد کودکان بی سرپرستی را بیان می کند که یک کارتن اسکناس به عنوان هدیه دریافت کرده است. قرار است با این پول مدرسه‌ای در «بارا نیودا» ساخته شود. اهداکننده مایل است ناشناس بماند. دریافت کنندگان پول گمان می کنند او مردی مسن و اسرارآمیز است اما این گونه نیست و اهداکننده یک پسر بچه است. سؤال این جاست که این پول ها از کجا می آیند...

قطعه‌ای از کتاب: «حومه شهر حسابی آرام بود. توکن با احتیاط پنجره را باز کرد و کمی در هوای ملایم شب تابستانی نفس کشید. لحظه‌ای کنار پنجره ایستاد و مثل سگ بو کشید. این جا چیزی بو نمی داد، حتی تابستان ها، اما اگر به اندازه کافی می ایستادی بوی دریا به مشام می رسید، مثل قفسی نامرئی بر فراز تمام شهر تا این جا، جایی که ده سال قبل کشاورزها در خانه های خود می خوابیدند درحالی که محصولاتشان در شب تابستانی در حال رسیدن بود.»

سفرهای دکتر دولیتل

نوشته هیولا فتینگ، ترجمه: مازیار موسوی،

انتشارات قدیانی

این رمان مخصوص نوجوانان است و آن ها را با قصه دکتري مهربان روبه رو می کند که از روی شفقت، حیوانات بسیاری را در خانه نگهداری می کند و همین نکته موجب می شود تا اتفاقاتی را تجربه کرده و سفری دور و دراز را آغاز کند. در این رمان، دکتر دولیتل زبان حیوانات را یاد می گیرد و با آن ها سخن می گوید و می تواند دردهایشان را با روش های درست و صحیح مداوا کند. برای مثال به اسب مزرعه

عینک می دهد یا به میمون ها آمپول می زند.

قطعه‌ای از کتاب: «زمستان آن سال واقعاً سرد بود. در یکی از شب های ماه دسامبر، همه حیوان ها دور آتش جمع بودند و دکتر دولیتل برای آن ها قصه می خواند. او قصه ها را به زبان حیوان ها ترجمه می کرد تا آن ها بتوانند از شنیدن قصه ها لذت ببرند ناگهان توتو (جغد دکتر) از روی تیر چوبی نگاه دارنده سقف بلند شد و پایین آمد و گفت: هیس! این صدای چیست؟».

مخترعان و ایده های داغ داغ

نوشته مایک گلداسمیت، ترجمه: شهره نور صالحی، انتشارات پیدایش

این کتاب اطلاعات بسیاری درباره مخترعان مختلف و اختراعاتشان در اختیار شما می گذارد؛ بسیاری از مخترعان با این که دیگر زنده نیستند هنوز هم با کارهایشان آدم ها را انگشت به دهان می کنند و این ویژگی در ده مخترعی که در این کتاب به آن ها اشاره شده است، وجود دارد.

مخاطبان این کتاب می توانند در دفترچه یادداشت مخترعان که سال های سال گم شده بود، سرک بکشند و در صفحه اول روزنامه ها خبر اختراع و داستان ابتکارشان را بخوانند و با ایده های داغ داغی که دنیا را عوض کردند، آشنا شوند. در ضمن این کتاب تصویرهای زیبایی هم دارد.

قطعه‌ای از کتاب: «جورج برای اختراع چراغ ایمنی، فقط روی آزمون و خطا تکیه می کرد، چون برعکس ارشمیدس، عادت نداشت تئوری هایش را اول روی کاغذ یا روی دست و پای خودش بنویسد، اما خدایی اش، مخترع خوش فکری بود. یکی دیگر از اختراعات اولیه جورج، یک گهواره بچه بود که بدون دخالت دست و با نیروی دود دودکش تکان تکان می خورد. هیچ کس نمی داند گهواره دودی جورج چه طوری کار می کرده، اما ظاهراً کار می کرده. اگر قبول ندارید، یک نگاه به این عکس بینداز!»

چند وقت بود رمان نوجوان جدیدی نخوانده بودم، تا این که خدا را شکر بالآخره توانستم کتابی در این باره پیدا کنم که... خوب همین کتابی است که می‌خواهم معرفی کنم! داستان با سفر دو نوجوان سیزده‌ساله به طبیعت آغاز می‌شود، و هدف از این سفر چیزی نیست جز: «مرد» شدن! پسرخوانده‌ای باهوش و همه‌فن حریف، با پسری دست و پا چلفتی و عشق طبیعت همراه می‌شود در سفری چهار، پنج‌روزه، که نقشه‌ها به هم می‌ریزد و پیش آمدن ماجراهایی که این دو را تغییر می‌دهد، از سوی دیگر، داستان خلبان یک هواپیما را می‌خوانیم که ده بسته ماری‌جوانا را از سرخ‌پوست‌ها تحویل گرفته و در حال برگشت به ایالات متحده است.

حالا دیگر باید بخوانید و ببینید که نویسنده چگونه ماجراها را به هم پیوند می‌زند و به سرانجام می‌رساند؛ چه‌طور در داستان وارد می‌کند نکته‌هایی را که تک‌تک و به صورت مبهم در طول داستان آشکار شده و در نهایت، ارتباطی معنادار و جذاب میانشان پیدا می‌شود، اما دلیلی دیگر هم دارم برای معرفی این کتاب. این که اولاً کتاب تاریخ گذشته است! مال سال ۱۳۸۳ و بعید می‌دانم توی کتاب‌فروشی‌ها پیدا بشود، دوماً هم اگر به سایت انتشارات بروید برایتان معلوم می‌شود که به دلیل قدیمی بودن کتاب، قیمتش هم قدیمی است، فکرش را بکنید که یک کتاب ۱۶۰ صفحه‌ای با قیمتی کم‌تر از دیدار پیدا بشود! پس بجنبید و تا انبار، کتاب را تمام نکرده به سایتش سر بزنید، شاید کتاب‌های خوب دیگری را هم ببینید!

زلزله در کوهستان

نویسنده: گلوریا اسکورزینسکی
مترجم: داود شعبانی
نشر: پیدایش